

بررسی اثرات پروژه‌های عمرانی بر رفاه در

نقاط روستایی استان فارس

عبدالعلی لهسایی‌زاده، مسعود ماجدی

این مقاله تحقیقی در پی بررسی اثر پروژه‌های عمرانی بر رفاه در مناطق روستایی استان فارس است. کانون توجه در این تحقیق خانوارهای روستایی و روستاها بوده است. بنا به ماهیت تحقیق از دو روش پیمایشی و شبه‌تجربی سود برده شده. بدین‌صورت که تعدادی روستا به‌عنوان روستاهای تجربی انتخاب شدند، داده‌های تحقیق از طریق دو دسته پرسشنامه خانوار (۳۰۰ پرسشنامه خانوار) و روستا (۴۰ روستای نمونه که ۲۰ روستای آن تجربی و ۲۰ روستا کنترل بوده است) تکمیل گردید. در این تحقیق شش فرضیه مطرح شد. تحلیل این فرضیات تفاوت معناداری بین روستاهای تجربی و کنترل به لحاظ شاخص‌های متفاوت رفاهی را نشان داده است. پنج فرضیه از شش فرضیه مطرح شده در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار گرفتند و یک فرضیه هم معنادار نشد.

مقدمه

توسعه زیرساخت‌های روستایی رابطه مثبت و بالایی با رشد اقتصادی داشته و می‌تواند از طریق تأثیر غیر مستقیم بر روی تولیدات کشاورزی، اشتغال، درآمد خانوار، مصرف و... رفاه خانوارها را نیز بالا ببرد. در کشور ما، عمران روستایی از دیرباز مورد توجه بوده است. در تعریف عمران روستایی می‌توان گفت «عمران روستایی بخشی از توسعه روستایی است که پروژه‌های زیرساختی مناطق روستایی از قبیل راه‌سازی، آب‌رسانی، برق‌رسانی، بهسازی بافت فیزیکی و تأسیسات رفاهی و خدماتی را شامل گردیده و زمینه را برای توسعه اقتصادی اجتماعی فراهم می‌آورد» (آسایش، ۱۳۷۴).

بحث عمران روستایی از آغاز برنامه‌ریزی در ایران به نوعی دنبال می‌شده است. در سال ۱۳۳۴ با تصویب قوانین «بنگاه عمران کشور»، «سازمان عمران کشور»، «ازدیاد سهم کشاورزان» و لایحه «عوارض در دهات» و لایحه قانونی «اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات»، توجه به عمران روستایی شکل تازه‌ای به خود گرفت. هر چند این قوانین تدوین شد، اما به علت مشکلات ساختاری قوانین و لوایح نتوانست جوابگوی مشکلات جامعه روستایی ایران باشد. در سال ۱۳۴۱ قانون اصلاحات ارضی به‌طور جدی به‌مورد اجرا گذاشته شد. اصلاحات ارضی می‌توانست یکی از موانع اساسی عمران روستایی را که همان مالکان بودند از میان ببرد. در برنامه عمرانی چهارم کشور مسئولان با اختصاص یک فصل مستقل به توسعه و عمران روستایی تصمیم گرفتند کلیه فعالیت‌های عمرانی را در یک وزارتخانه متمرکز نمایند. پس از انقلاب اسلامی عمران روستایی مورد توجه خاص مسئولان مملکت قرار گرفت. در برنامه‌های اولیه هدف این بود که شرایط و امکانات در روستاها بهبود یافته و از مهاجرت‌های بی‌رویه جلوگیری شود، در این راستا برنامه‌های متعددی پس از انقلاب اسلامی به اجرا درآمد که از آن جمله می‌توان به لایحه واگذاری زمین، تشکیل جهاد سازندگی و ایجاد مراکز خدمات کشاورزی اشاره نمود.

یکی از وظایف واگذار شده به وزارت جهاد سازندگی گسترش فعالیت‌های زیربنایی در مناطق روستایی می‌باشد. امور زیربنایی می‌تواند نقش اساسی در رشد اقتصادی یک کشور داشته باشد، نقش این زیربناها پیچیده و معمولاً اثرات آن غیرمستقیم می‌باشد، به همین لحاظ در بحث‌های توسعه اقتصادی آن‌قدر که بر روی فعالیت‌های تولیدی مانند کشاورزی و صنعت تأکید می‌شود به زیربناها کمتر توجه می‌شود.

راتان در این ارتباط می‌گوید: رشد سریع کشاورزی در شمال و جنوب آمریکا را می‌توان نتیجه دسترسی به زمین‌های جدید از طریق گسترش زیرساخت‌ها دانست، همچنین انتشار شیوه‌های جدید تکنولوژی در کشاورزی که باعث تولید بیشتر محصولات کشاورزی شد، حاصل زیرساخت‌های فیزیکی و نهادی بوده است. زیرساخت‌ها قادرند هزینه بازاریابی محصولات کشاورزی را کاهش دهند. یک مطالعه در آفریقا نشان می‌دهد که کشاورزان آفریقایی به‌خاطر نبودن زیرساخت‌های مناسب ۳۰ تا ۵۰ درصد قیمت نهایی محصول خود را که به‌وسیله مصرف‌کننده خریده می‌شود دریافت می‌کنند، در حالی که این رقم در آسیا ۷۰ تا ۸۵ درصد می‌باشد (به نقل از رئیس‌الدین و حسین، ۱۹۹۰). دو سوم این تفاوت ناشی از تفاوت در زیرساخت‌ها در مناطق روستایی این دو قاره می‌باشد. کارگر یا نیروی کار یک عامل خیلی مهم در تولید محصولات کشاورزی و همچنین وسیله کسب درآمد خانوار روستایی می‌باشد.

مناسب نبودن بازار نیروی کار به‌طور مستقیم و غیر مستقیم تحت‌تأثیر مناسب نبودن زیرساخت‌های روستایی می‌باشد. از طرف دیگر، نامناسب بودن زیرساخت‌ها فرصت‌ها را برای مشاغل دیگر غیر از کشاورزی کم می‌کند.

تسهیلات زیرساختی یک عامل اساسی در انتشار تکنولوژی کشاورزی می‌باشد. به‌عنوان مثال، نیروهای ترویجی در صورتی‌که وضعیت حمل‌ونقل مناسب باشد سریع‌تر و راحت‌تر به روستا رفته و وظیفه‌شان را انجام می‌دهند، و اساساً کسانی‌که در ترویج تکنولوژی‌ها کار می‌کنند تمایل دارند تأسیسات خود را در جایی مستقر کنند که از نظر تسهیلات زیربنایی وضعیت بهتری دارند.

نهاد‌های مورد نیاز کشاورزی نظیر کود شیمیایی، سموم و... در نقاط شهری تولید شده و برای انتقال این نهادها به مناطق روستایی نیاز به زیربنای مناسب می‌باشد. دسترسی به خدماتی مانند مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و اعتبارات در روستاهای توسعه‌یافته بهتر از روستاهای توسعه‌نیافته است. محدودیت در ارائه اعتبارات در مناطق با زیرساخت‌های پیشرفته‌تر به‌خاطر تخصصی شدن و تجاری شدن تولیدات پایین‌تر است. این موضوع در مورد منابع درآمدی غیرکشاورزی نیز صادق است. از دیگر تأثیراتی که از زیرساخت‌ها انتظار می‌رود تأثیر بر الگوی مصرف خانوار می‌باشد. این اثر در تغییراتی که بر روی قیمت‌ها و افزایش تقاضا می‌گذارد خود را نشان می‌دهد. در این تحقیق ما به دنبال بررسی اثر پروژه‌های عمرانی بر رفاه در نقاط روستایی بوده و به این علت فقط به بخشی از فعالیت‌های جهاد می‌پردازیم، و از فعالیت‌های عمرانی نیز تنها آب‌رسانی، برق‌رسانی، احداث راه، و بهسازی را مورد نظر قرار داده‌ایم.

هدف اصلی تحقیق حاضر مطالعه و بررسی اثرات پروژه‌های عمرانی اجرا شده در نقاط روستایی استان فارس بر افزایش رفاه خانوارها در نقاط روستایی می‌باشد. این افزایش می‌بایست از طریق اثرات مستقیم و غیرمستقیم پروژه‌های عمرانی به‌وجود آمده باشد و به همین لحاظ با اندازه‌گیری شاخص‌های مرتبط با وضعیت رفاه این موضوع سنجیده خواهد گردید.

طی سال‌های گذشته، پروژه‌های عمرانی متعددی در نقاط مختلف روستایی کشور توسط جهاد سازندگی به اجرا درآمده است که هدف اساسی آن‌ها ایجاد زمینه‌های مناسب برای توسعه اقتصادی-اجتماعی این نواحی بوده است. اجرای این پروژه‌ها مستلزم صرف هزینه‌های بسیار بوده لذا بررسی در مورد تأثیر این پروژه‌ها از ضروریات اجتناب‌ناپذیر می‌باشد تا مشخص گردد که اجرای این پروژه‌ها تا چه اندازه در راستای اهداف طراحی شده بوده است. بنابراین در تحقیق

حاضر ما به دنبال بررسی این موضوع در گوشه‌ای از کشورمان می‌باشیم.

مروری بر تحقیقات پیشین

تحقیقات داخلی

فرهاد نیلی با همکاری رضا شهیدزاده و سید معاون رضوی یک تحقیق را براساس آمارهای موجود با عنوان «بررسی تحولات فقر، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی» طی سال‌های گذشته انجام داده‌اند. آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار و نیز آمارگیری از خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوار جهت تحلیل و مطالعه خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوار، توزیع درآمد، فقر و محرومیت و توزیع امکانات زندگی بین خانوار مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که برخی عوامل اجتماعی و اقتصادی قادرند تغییر در رتبه‌بندی اقتصادی خانوارها را توضیح دهند. بنابراین نتایج مطالعه عوامل سن سرپرست خانوار، تعداد شاغلان نسبت به بعد خانوار، میزان تحصیلات افراد خانوار، ساکن بودن در شهر در مقایسه با سکونت در روستا، فارسی زبان بودن خانوار در مقایسه با سایر قومیت‌ها، مرد بودن سرپرست خانوار و اشتغال سرپرست خانوار در بخش عمومی در مقایسه با مزدگیری بخش خصوصی احتمال بهبود موقعیت نسبی یک خانوار را به لحاظ اقتصادی تعیین می‌کنند. خانوارهایی که به‌طور نسبی افراد شاغل بیشتری داشته و یا از سرمایه انسانی غنی‌تری برخوردارند (که در این مطالعه برحسب مجموع سال‌های تحصیل اعضای خانوار سنجیده شده است) و نیز خانوارهایی که سرپرست آن‌ها به لحاظ سنی از موقعیت مناسب‌تری برخوردارند، موقعیت اقتصادی رو به بهبودی را در پیش دارند. آن‌ها در تحقیق خود سعی کردند که خانوارهای فقیر را شناسایی کنند و راه‌های کاهش و تخفیف فقر را نشان دهند. برای این‌کار آن‌ها از یک مدل پروبیت که احتمال ابتلا به فقر را برحسب برخی خصوصیات و صفات قابل تشخیص خانوار تخمین می‌زند استفاده کردند. مدل فوق به گونه‌ای طراحی شده که خانوارهای فقیر را با دقت قابل قبولی درست تشخیص دهد. آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که در مجموع چهار عامل بیشترین تأثیر را بر فقر خانوار دارند و می‌توانند فقر خانوار را به خوبی توضیح دهند. عوامل مزبور عبارتند از: وضعیت جمعیتی خانوار، وضعیت اشتغال خانوار، سرمایه انسانی خانوار و سرمایه فیزیکی خانوار (شامل وضعیت محل سکونت خانوار، تسهیلات محل سکونت خانوار و وسایل زندگی در اختیار خانوار).

آن‌ها در جمع‌بندی نهایی یافته‌های کار خود چنین بیان می‌کنند: «بخش قابل توجهی از

نابرابری توزیع درآمد در کل کشور از نابرابری بین مناطق شهری و روستایی پدید آمده. مطالعه عوامل مؤثر بر تحرک اقتصادی خانوارها نشان می‌دهد که از نظر آماری امکان ارتقای یک خانوار از یک طبقه درآمدی به طبقه درآمدی بالاتر تابع سکونت در شهر (خانوارهای ساکن در روستا احتمال تحرک اقتصادی پایین‌تری دارند)، مرد بودن سرپرست خانوار، وابستگی قومی خانوار، شغل سرپرست خانوار، سن سرپرست خانوار، تعداد شاغلان خانوار و سرمایه انسانی خانوار می‌باشد. در نتایج حاصل از مدل تشخیص فقر، عوامل زیر می‌توانند به خوبی فقر را در مناطق شهری و روستایی توضیح دهند: وضع جمعیتی خانوار، وضعیت اشتغال خانوار، سرمایه انسانی خانوار و سرمایه فیزیکی خانوار» (نیلی، ۱۳۷۶).

موسوی حقیقی در تحقیقی تحت عنوان «بررسی اثرات پروژه‌های عمرانی زیربنایی جهاد سازندگی استان فارس بر ارتقا شاخص توسعه انسانی» که در سال ۱۳۷۹ انجام داده است به بررسی اثرات پروژه‌های عمرانی زیربنایی بر تغییرات شاخص توسعه انسانی در روستاهای استان فارس پرداخته است. در مطالعه وی با استفاده از اطلاعات دو مقطع زمانی ۱۳۶۷ و ۱۳۷۲ این اثرات اندازه‌گیری شده است. در این تحقیق از روش شبه تجربی استفاده گردیده بدین صورت که تعدادی روستا به عنوان روستاهای تجربی یا آزمایشی و تعدادی روستا به عنوان روستاهای کنترل مشخص شده‌اند. شاخص توسعه انسانی براساس تعاریف استاندارد سازمان ملل متحد محاسبه و تغییرات آن در طول این دو مقطع به تفکیک پروژه (آب-راه-برق) و به تفکیک پروژه‌ها (آب و راه-آب و برق و راه) و به تفکیک اجزای تشکیل‌دهنده آن (شاخص آموزشی، شاخص امید به زندگی، شاخص درآمد برابری قدرت خرید واقعی به دلار) محاسبه شده است.

در نتیجه‌گیری نهایی، مؤلف عنوان می‌کند که «اجرای پروژه‌های عمرانی زیربنایی تأثیر به‌سزایی در رشد شاخص توسعه انسانی در مناطق محروم روستایی داشته است، با توجه به نتایج شاخص توسعه انسانی درمی‌یابیم که شاخص توسعه انسانی در ایران بین سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۸ به ترتیب برابر ۶۷/۲ درصد و ۷۰/۹ درصد (۳/۷ درصد رشد) بوده است و در طول ۷ سال به‌طور متوسط سالیانه ۵۳ درصد رشد کرده است. که این در واقع شامل جامعه روستایی و شهری می‌باشد. با نگاهی به نتایج این تحقیق متوجه می‌شویم که این شاخص در روستاهای استان فارس (نمونه این تحقیق) که پروژه‌های زیربنایی در آنها اجرا شده در طول ۵ سال برابر با ۷/۸۴ درصد و یا سالیانه برابر با ۱/۵۷ درصد رشد داشته است. در حالی‌که در روستاهای کنترل این مقدار برابر با ۴/۲ درصد یعنی سالیانه ۸۴ درصد رشد داشته است که با احتمال ۹۹ درصد تفاوت معنی‌داری بین این دو گروه وجود داشته است» (موسوی حقیقی، ۱۳۷۹).

تحقیقات خارجی

در سال ۱۹۹۰، تحقیقی تحت عنوان «اثرات توسعه‌ای زیرساخت‌های روستایی در بنگلادش» توسط محبوب حسین و احمد رئیس‌الدین در بنگلادش صورت گرفت. در این تحقیق مؤلفان به دنبال این قضیه بودند که چگونه فعالیت‌های زیرساختی بر روی افزایش درآمد و کاهش فقر در یک اقتصاد در حال توسعه تأثیر می‌گذارد.

این دو بیان می‌کنند که برخلاف نظر رایج به این مضمون که زیرساخت‌های روستایی باعث وخیم‌تر شدن وضعیت فقر می‌شود، در این تحقیق این نتیجه حاصل شد که زیرساخت‌های روستایی می‌توانند با افزایش درآمد به روش غیر مستقیم بر روی کاهش فقر مؤثر باشد. تأکید این تحقیق بر روی اقتصاد خانوار در بنگلادش بوده و منافع زیرساخت‌ها را به خصوص بر روی فقیرترین بخش جامعه روستایی مورد بررسی قرار داده بود. در این تحقیق مؤلفان سعی داشته‌اند اثرات توسعه زیرساخت‌های روستایی را برای تشخیص، توضیح و اندازه‌گیری تولیدات کشاورزی، اشتغال، درآمد، مصرف، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، بازار و توسعه اجتماعی به کار ببرند. در این تحقیق چون حمل و نقل و جاده‌ها عناصر کلیدی برای توسعه در نقاط روستایی هستند، به عنوان منابع اولیه زیرساخت‌ها به کار گرفته شدند. در این تحقیق با استفاده از روش پیمایشی ۱۶ روستا از میان ۱۲۹ روستا در بنگلادش انتخاب شدند. سعی شد که این روستاها از نظر خاک، توپوگرافی و آب تقریباً همگن باشند. ۶۴۰۰ پرسشنامه خانوار در قالب ۵ گونه پرسشنامه در این روستاها تکمیل گردید. برای روستاها براساس اطلاعات جمع‌آوری شده یک شاخص توسعه زیرساخت‌ها ساخته شد. روستاها براساس دسترسی به بازار، حمل و نقل و برق و خدمات اجتماعی به دو دسته توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته تقسیم شدند.

یافته‌های این تحقیق نشان داد که قیمت‌های کود شیمیایی در روستاهایی با زیرساخت‌های بهتر، ۱۴ درصد پایین‌تر از قیمت آن در روستاهای با زیرساخت‌های بدتر است، همچنین نرخ مزد در روستاهای با زیرساخت‌های بهتر، ۱۲ درصد بالاتر از روستاهای با زیرساخت‌های بدتر است. تولید محصولات کشاورزی در روستاهای با زیرساخت بهتر (توسعه‌یافته) به لحاظ بهبود در وضعیت تکنولوژی و بهره‌وری بالاتر اقتصادی، ۳۲ درصد بالاتر از روستاهای توسعه‌نیافته بود. کشاورزان در روستاهای توسعه‌یافته از کارایی بالاتری در تخصیص منابع با توجه به هزینه‌ها و ارزش تولیدات برخوردار بودند (چیزی در حدود ۸ درصد بالاتر). و در کل تولیدات کشاورزان در روستاهای توسعه‌یافته با میزان برابر استفاده از نیروی کار و کود شیمیایی ۲۴ درصد بالاتر بود.

توسعه زیرساخت‌ها زمینه و فرصت برای مشاغل مزدبگیری را در کشاورزی به خوبی دیگر

حوزه‌ها رشد داد. یافته‌ها نشان داد خانوارها در روستاهای توسعه‌یافته زمان بیشتری را در کار کشاورزی صرف می‌کنند تا در مناطق توسعه‌نیافته (۳۳ درصد بیشتر). همچنین زمان صرف شده در کارهای ساختمانی، حمل‌ونقل، خدمات و صنایع نساجی به‌طور معنی‌داری در روستاهای توسعه‌یافته بالاتر بود. در روستاهای توسعه‌یافته فرصت‌های شغلی بیشتری برای زنان فقیر وجود داشته، در حالی‌که در میان افراد فاقد زمین زنان ۲۲ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دادند، در مقایسه با ۱۰ درصد زنان در روستاهای توسعه‌نیافته. یافته‌ها نشان می‌داد که گسترش فعالیت‌های زیرساختی باعث افزایش اندازه بازار کار مزدبگیری در کل شده، همچنین تعداد روزهای استخدام نیروی کار در روستاهای توسعه یافته ۷۷ درصد بیشتر از روستاهای کمتر توسعه‌یافته بود. مسئله مهم‌تر تأثیر غیرمستقیم زیرساخت‌ها بر روی میزان مزد بود، به‌طوری‌که مزد در روستاهای توسعه‌یافته ۱۲ درصد بیشتر از روستاهای توسعه‌نیافته بود.

مقایسه منابع درآمد خانوار در سه روستای خیلی توسعه‌یافته و سه روستای خیلی توسعه‌نیافته (از نظر زیرساخت‌ها) در نمونه مورد نظر درآمد ناشی از برداشت محصولات در روستاهای توسعه‌یافته ۲۴ درصد بالاتر از روستاهای توسعه‌نیافته بود و این بالا بودن ناشی از افزایش تولید بوده است، در حالی‌که درآمد ناشی از دامداری و ماهیگیری ۷۸ درصد در روستاهای توسعه‌یافته بالاتر بود. به‌علاوه، درآمد ناشی از تجارت و صنایع نساجی نیز ۱۷ درصد افزایش پیدا کرد، و کل افزایش درآمدی که بتوان آن را ناشی از توسعه زیرساخت‌ها دانست ۳۳ درصد گزارش شده است.

میزان افزایش درآمد افراد بی‌زمین و زارعان دارای زمین کم از کارمزدبگیری و دامداری و ماهیگیری بیشتر از افراد دارای زمین زیاد بود. افزایش درآمد در نواحی توسعه‌یافته متکی بر دسترسی بهتر به بازارها، اعتبارات و تکنولوژی جدید بوده است. محققان این مطالعه بیان می‌کنند که توسعه زیرساخت‌ها باعث می‌گردد فرصت‌های افزایش درآمد برای فقیران روستایی فراهم شده و از این طریق فقر کاهش پیدا می‌کند و کل نتایج تحقیق به‌طور وضوح نیاز به حمایت از سیاست‌های عمومی برای گسترش زیرساخت‌های روستایی را مورد تأکید قرار می‌دهد (احمد و حسین، ۱۹۹۱).

یک بررسی پس-رویدادی توسط واندرتاک و دوویل صورت گرفت و در سال ۱۹۶۹ به چاپ رسید، او در این مورد می‌گوید: «انتظار می‌رفت که پروژه راه در ایران منافع عمرانی قابل ملاحظه‌ای در پی داشته باشد، اما متأسفانه محققان شواهد روشن اندکی یافتند که حاکی از تحقق یافتن این منافع باشد. هزینه‌های حمل‌ونقل در ایران ۵ تا ۱۰ درصد حد بین قیمت‌های

مزرعه و خرده‌فروشی است و بازار محصولات غذایی شدیداً انحصاری است. انگیزه قیمت‌های ارزان‌تر حمل کالا با کامیون کم بود، گرچه اثر این قیمت‌ها مستقیماً متوجه کشاورز یا مصرف‌کننده می‌شد. به‌طور کلی در شرایطی که بازار شدیداً انحصاری است، از اصلاح راه‌ها باید منافع عمرانی اندکی (در صورت وجود) انتظار داشت» (هاو و ریچاردز، ۱۳۷۲). وارد در حدود سال ۱۹۶۷ بررسی خود را به انجام رساند و می‌گوید: «راهسازی به سوی ریگودرپابوا گینه نو به افزایش باغ‌های روستایی، تولید املاک جدید کائوچو، نارگیل، دام، کارخانه چوب‌بری، تولید درخت زیتون، کشاورزی، مرغداری بزرگ و تولید سبزیجات اروپایی منجر شد» (همان).

بوچارد در سال ۱۹۷۱ مطالعه‌ای در مورد اثر راه‌ها در منطقه اوکاپا در پاپوا گینه نو انجام داد و دریافت که «شواهد چندانی دال بر ایجاد تغییر در تولید محصولات کشاورزی قابل فروش منطقه از زمان (و به خاطر) بهتر کردن راه اوکاپا وجود ندارد» (همان). بلیکی و همکاران در بررسی‌های خود متوجه شدند که «غالباً افراد برتر قبلی، به‌ویژه تجار و سرمایه‌داران موفق، موفقیت‌های تجاری جدید را نصیب خود می‌ساختند. این مطالعات همچنین روشن ساخت که بیشترین اشتغال‌های مستقیم و فواید درآمدی ناشی از مخارج احداث راه به اتباع هند رسید نه به اتباع نیال» (همان).

بررسی المندورف و مریل در سال ۱۹۷۷، تأثیرات اجتماعی-اقتصادی راه جدید را بر یک اجتماع روستایی کوچک در مکزیک طی دوره نسبتاً طولانی سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۶ تحلیل می‌کند. او می‌گوید: «افتتاح راه در سال ۱۹۷۱، همزمان با شروع کار اتوبوسرانی، نخستین تغییر از یک سلسله تغییرات اساسی از قبیل برق‌رسانی، لوله‌کشی آب و خدمات ترویج کشاورزی بود که علی‌رغم سابقه طولانی رشد جمعیت، افزایش استفاده از زمین و کاهش حاصلخیزی آن، تورم در سطح کشور و افزایش قیمت کالاهای اساسی اتفاق افتاد. این بررسی روشنگر آن است که افتتاح راه نه تنها باعث تسهیل، بلکه باعث ایجاد بسیاری از تغییرات متمر بعدی بود. ساخت راه موجب ایجاد کانال‌های ورودی و خروجی حمل و نقل، برقراری ارتباطات، نوسازی و نیز مهاجرت به داخل و خارج روستا شد و به نحو قابل ملاحظه‌ای به تنوع اقتصادی داخل روستا از طریق ایجاد بازار خارجی محصولات صنعتی کشاورزی و تولیدات صنعتی، ایجاد امکان صدور نیروی انسانی برای روستاییان و کسب دستمزد کمک کرد و تا اندازه‌ای آن روستا را به یک مرکز تجاری برای روستاهای دور افتاده و کوچک‌تر تبدیل کرد» (همان).

بلر تحقیقی در مورد اثر منطقه‌ای بزرگراه جدید در سیرالئون در سال ۱۹۷۸ به چاپ رساند. او عنوان می‌کند: «بزرگراه جدید دست‌کم در مناطق روستایی مجاور خود اثر عمرانی ناچیزی

داشته است. حتی از نظر تحرک جمعیت به نظر می‌رسد که این راه تمایل جوانان به مهاجرت را افزایش داده است» (هاو و ریچاردز، ۱۳۷۲) (همان‌جا). بررسی پس-رویدادی دولت محلی در زمینه اثرات بهکرد راه روستایی در سه محل مختلف فیلیپین در سال ۱۹۷۸ نمایانگر پیشرفت چشمگیری در شاخص‌های خدمات انسانی، اجتماعی و اقتصادی بود. سود اقتصادی اصلی افزایش درآمد ناخالص خانواده به میزان ۲۸ درصد (درآمد زراعی ۴۰ درصد و درآمد غیر زراعی ۲۰ درصد) بود. فوائد اجتماعی عمده ناشی از راه‌های روستایی شامل افزایش اشتغال غیر زراعی، دسترسی بهتر به خدمات مدیریت مزرعه، بهداشت و آموزش و بهبود جریان اطلاعات و تسهیلات تفریحی بود.

چارچوب نظری تحقیق

برای تحلیل موضوعات این تحقیق از نظریات توسعه روستایی استفاده گردیده است. دامنه نظریاتی که در مورد توسعه روستایی در طی سال‌های گذشته پرداخته شده است مثل خود نظریات توسعه وسیع و گسترده می‌باشد. مثلاً لانگ در طرح مسائل توسعه روستایی براساس سه مدل و در قالب توسعه کشاورزی و مداخله دولت موضوع را پیگیری می‌کند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳). یاد در قالب راهبردهای توسعه روستایی راهبرد دولتی وجود داشته که مسائل مرتبط با توسعه از طریق سازمان‌های بوروکراتیک و به وسیله کارگزاران و کارشناسان دولتی و به شیوه‌ای از بالا به پایین به اجرا در می‌آمده است. در چنین مدل‌هایی نقش دولت از طریق سازمان‌ها برای ایجاد توسعه و رفاه مورد توجه است. شفرد الگویی را در نظریات توسعه مطرح می‌کند تحت عنوان انقلابی کردن پروژه‌ها^۱ که این‌طور عنوان می‌شود، پروژه‌های همه‌جا حاضر توسعه روستایی ابزار نهادی اساسی برای توزیع و گسترش کمک‌ها به مناطق روستایی است (شپرد، ۱۹۹۸). پس در این چارچوب نظری توجه به نقش دولت در ایجاد رفاه، الگوهای بوروکراتیک و نقش سازمان‌های دولتی است.

روش تحقیق

در این تحقیق با دو روش‌شناسی تحقیق پیمایشی و تحقیق شبه تجربی اثرات پروژه‌های عمرانی بر رفاه مورد بررسی قرار گرفت. در تحقیق پیمایشی تعدادی روستا به‌عنوان نمونه انتخاب گردیده (۴۰ روستا) و پرسشنامه‌های در برگرفته شاخص‌های مرتبط با رفاه در آن‌ها

سنجیده شده است. از طرف دیگر، با تحقیق شبه‌تجربی تعدادی از این روستاها (۲۰ روستا) به‌عنوان روستاهای تجربی در نظر گرفته شد، یعنی روستاهایی که جهاد سازندگی در آن‌ها ۳ تا ۴ فعالیت انجام داده بود و تعدادی روستا (۲۰ روستا) به‌عنوان روستاهای کنترل یا گواه در نظر گرفته شد، یعنی روستاهایی که فاقد هرگونه فعالیت عمرانی بودند. سپس شاخص‌های جمع‌آوری شده در این دو دسته روستا که به روش پیمایشی جمع‌آوری گردیده بود با هم مقایسه گردید. استفاده از پرسشنامه تکنیک خاص جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق بود، لذا دو پرسشنامه یکی مربوط به خانوار و یکی مربوط به روستا جهت سنجش شاخص‌های مرتبط با رفاه در روستاهای نمونه تکمیل گردید.

نمونه‌گیری و انتخاب روستاها

در این تحقیق چون هدف خاصی را دنبال می‌کردیم، یعنی بررسی اثرات پروژه‌های عمرانی بر کاهش فقر، لذا روستاهای مورد نظر می‌بایست دارای ویژگی خاصی باشند و آن ویژگی فعالیت‌های جهاد در طی سال‌های گذشته در برخی از آن‌ها (روستاهای تجربی) و فقدان همین فعالیت‌ها یا فعالیت‌های مشابه در برخی دیگر (روستاهای کنترل). لذا بدین‌گونه عمل شد که لیست روستاهای بالای ۲۰ خانوار استان براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۷۵ تهیه گردیده که در مجموع شامل ۲۱۶۹ روستا می‌شد، علت انتخاب روستاهای بالای بیست خانوار این بود که به‌علت کمی جمعیت این روستاها هیچ فعالیتی در آن‌ها انجام نگرفته و در تحلیل مقایسه‌ای شرایط مناسبی برای مقایسه نداشتند. سپس وضعیت برخوردار و عدم برخوردار این ۲۱۶۹ روستای بالای ۲۰ خانوار از امکانات زیربنایی، آب، برق، راه، بهسازی و آب‌خیزداری کنترل گردید.

۲۰۹۳ روستا به نحوی از یک و یا بیشتر از یک فعالیت برخوردار و ۷۶ روستا فاقد هرگونه فعالیت‌های اشاره شده بودند. سپس مجریان فعالیت‌ها و امکانات زیربنایی ۲۰۹۳ روستای برخوردار از یک یا بیشتر از یک فعالیت مورد کنترل قرار گرفت، که در نهایت ۱۶۴ روستا به‌دست آمد که صرفاً سه یا بیشتر از سه فعالیت در آن‌ها توسط جهاد انجام گرفته و هیچ ارگان دیگری هیچ‌گونه خدماتی به آن‌ها ارائه نداده بود. پس لیست اصلی ما برای انتخاب روستاهای تجربی و کنترل شامل ۱۶۴ روستا برای نمونه تجربی و ۷۶ روستا برای نمونه کنترل بود، سپس به روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک از بین روستاهای تجربی و کنترل هرکدام ۲۰ روستا و جمعاً ۴۰ روستا انتخاب شدند. با توجه به تعداد روستاهای تجربی و کنترل (۲۴۰) انتخاب ۴۰ روستا حجم نمونه‌ای در حدود ۱۷ درصد را پوشش می‌دهد که مناسب به نظر می‌رسد. برای

انتخاب روستاها بدین شکل عمل شد: چون تعداد کل جامعه آماری برای ما مشخص بود برای هر کدام از روستاها تعداد کل بر حجم نمونه تقسیم و بعد مشخص شد که از درون لیست باید حرکت چگونه صورت گیرد. برای روستاهای تجربی این عدد ۸ به دست آمد و برای به دست آوردن مبنای شروع هم بین اعداد ۱ تا ۸ قرعه‌کشی به عمل آمد، برای روستاهای کنترل هم به همین صورت عمل شد. بعد از تعیین تعداد روستاها، براساس تعداد خانوارها نمونه‌ای حدوداً ده درصد از خانوارهای روستا به عنوان نمونه خانوار تعیین گردید. تعداد کل خانوارهای روستاهای تجربی ۲۹۰۹ می‌شد که ۲۵۳ خانوار از میان آن‌ها انتخاب شدند، و جمع تعداد خانوارهای روستای کنترل شامل ۷۲۱ نفر می‌شد که ۷۵ خانوار از میان آن‌ها انتخاب شدند (رجوع کنید به جدول شماره ۱). البته این نکته قابل ذکر است که به علت اشکالاتی که در پرسشنامه‌های تکمیلی به وجود آمد در تحلیل‌ها فقط از ۲۳۴ پرسشنامه تکمیلی در روستاهای تجربی و ۶۲ پرسشنامه در روستاهای کنترل استفاده گردیده است.

فرضیات تحقیق

در این تحقیق جهت مقایسه شاخص‌های مختلف مرتبط با بحث رفاه در روستاهای تجربی و کنترل و رسیدن به این نتیجه که پروژه‌های عمرانی بر روی این شاخص‌ها در روستاهای تجربی تأثیر گذاشته‌اند، ۶ فرضیه به شرح ذیل تدوین گردید:

۱. انتظار می‌رود که بین روستاهای تجربی و کنترل تفاوت معناداری به لحاظ امکانات و تسهیلات زندگی وجود داشته باشد.
۲. به نظر می‌رسد که بین خانوارها در روستاهای تجربی و کنترل از لحاظ شاخص درآمد تفاوت معناداری وجود داشته باشد.
۳. احتمال می‌رود که بین خانوارها در روستاهای تجربی و کنترل به لحاظ شاخص وسایل زندگی تفاوت معناداری وجود داشته باشد.
۴. به نظر می‌رسد که بین خانوارها در روستاهای تجربی و کنترل به لحاظ شاخص تسهیلات محل سکونت خانوار تفاوت معناداری وجود دارد.
۵. انتظار می‌رود که بین خانوارها در روستاهای تجربی و کنترل به لحاظ شاخص‌های دارا بودن ادوات سرمایه‌ای، دارایی‌های دیگر، داشتن زمین در مناطق دیگر و سرمایه انسانی تفاوت معناداری وجود داشته باشد.
۶. به نظر می‌رسد که بین خانوارها در روستاهای تجربی و کنترل به لحاظ شاخص کلی رضایت‌مندی و رضایت از زندگی تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۱. روستاهای نمونه طرح بررسی اثرات پروژه‌های عمرانی بر رفاه در نقاط روستایی استان فارس

ردیف	نام روستای تجربی	تعداد خانوار	تعداد نمونه	نام روستای کنترل	تعداد خانوار	تعداد نمونه
۱	نظام‌آباد (ارسنجان)	۱۰۴	۱۰	شهرک شهید باهنر - جدول نو (اقلید)	۵۱	۵
۲	بکان (اقلید)	۱۹۶	۱۹	امیرسالاری (جهرم)	۱۰۲	۵
۳	سنگ بر (بوانات)	۱۰۴	۱۰	دشت سلطان‌آباد (داراب)	۴۶	۵
۴	حنا (جهرم)	۹۵	۹	چاه کندر (داراب)	۲۰	۲
۵	شاه‌ابوذرکریا (داراب)	۱۴۲	۱۴	چاه بهن (فسا)	۲۵	۳
۶	دلخان (سپیدان)	۲۹۰	۲۹	گوخر (داراب)	۲۰	۲
۷	قلعه خلیلی (سپیدان)	۱۱۲	۱	رضاآباد (کازرون)	۴۵	۴
۸	چشمه‌بردی (شیراز)	۳۷	۴	مزرعه مرادنحفی (شیراز)	۲۹	۳
۹	عسکرآباد (کازرون)	۶۰	۴	مزرعه برزگری (فیروزآباد)	۲۰	۳
۱۰	تخته (لار)	۴۰	۴	آب سوراخ (فیروزآباد)	۲۰	۲
۱۱	آشنا (لار)	۷۳	۷	بوسکان (کازرون)	۲۷	۳
۱۲	برده کویه (لامرد)	۸۷	۹	حسین‌آبادخان (قلی‌کازرون)	۷۲	۷
۱۳	چاه کور (لامرد)	۱۷۳	۱۷	فتح‌آباد (کازرون)	۴۵	۵
۱۴	قلعه محمدطاهری (لامرد)	۶۸	۸	گاویست (لار)	۲۸	۳
۱۵	دهنو (لامرد)	۱۵۴	۱۵	زره (لامرد)	۲۰	۲
۱۶	دشتک (مرودشت)	۵۹۹	۳۰	شیخ محمد (ممسنی)	۲۵	۳
۱۷	حصار دشتک (مرودشت)	۱۹۶	۱۹	تنگ چوک (ممسنی)	۲۷	۳
۱۸	گل‌مکان قشلاق (مرودشت)	۲۰۶	۲۰	قلعه‌مورد (ممسنی)	۲۰	۲
۱۹	علشاهی (ممسنی)	۶۴	۴	گرگوشک (ممسنی)	۴۳	۵
۲۰	مراسخوان علیا (ممسنی)	۱۰۹	۱۰	محمودآباد (نی‌ریز)	۲۷	۳
	جمع	۲۹۰۹	۲۵۳	جمع	۷۲۱	۷۵

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

یافته‌های توصیفی

وضعیت تسهیلات عمرانی و زیربنایی در روستاهای تجربی و کنترل

این تسهیلات شامل موارد زیادی می‌شود که در مقایسه می‌توان این‌طور بیان نمود که وضعیت روستاهای تجربی بسیار بهتر از روستاهای کنترل می‌باشد (رجوع کنید به جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲. تعداد روستاهای برخوردار از امکانات و تسهیلات (تجربی و کنترل)

جمع		روستاهای کنترل				جمع		روستاهای تجربی				نوع روستا
درصد	تعداد	ندارد		دارد		درصد	تعداد	ندارد		دارد		نوع تسهیلات
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	۵	۱	۹۵	۱۹	آب
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	برق
۱۰۰	۲۰	۲۵	۵	۷۵	۱۵	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	دبستان
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	۵۰	۱۰	۵۰	۱۰	مدرسه راهنمایی
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	۸۵	۱۷	۱۵	۳	دبیرستان
۱۰۰	۲۰	۸۵	۱۷	۱۵	۳	۱۰۰	۲۰	۴۰	۸	۶۰	۱۲	خانه بهداشت
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	۹۵	۱۹	۵	۱	مرکز بهداشت
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	۹۵	۱۹	۵	۱	داروخانه
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	۸۰	۱۶	۲۰	۴	صندوق پست
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	۸۰	۱۶	۲۰	۴	دفتر پست
۱۰۰	۲۰	۹۵	۱۹	۱	۱	۱۰۰	۲۰	۴۰	۸	۶۰	۱۲	دفتر مخابرات
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	۸۵	۱۷	۱۵	۳	تلفن شخصی
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	۹۵	۱۹	۵	۱	مرکز خدمات کشاورزی
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	۸۵	۱۷	۱۵	۳	جهاد دهستان
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	جنگل‌بانی
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	دام‌پزشکی
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	محیط زیست
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	کتابخانه
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۱۴	-	۶	شرکت تعاونی
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	۸۵	۱۷	۱۵	۳	قرض الحسنه
۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰	-	-	۱۰۰	۲۰	۹۵	۱۹	۵	۱	بانک

وضعیت اقتصادی در روستاهای کنترل و تجربی

کشاورزی-زراعت

تمام روستاها کنترل و تجربی دارای زراعت بوده، گندم، جو، برنج، چغندرقد، عدس، یونجه، و... محصولات این روستاها را تشکیل می‌دهند که سطح زیر کشت این محصولات در روستاهای تجربی و کنترل در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول شماره ۳. سطح زیر کشت محصولات مختلف در روستاهای تجربی و کنترل (هکتار)

روستاهای کنترل	روستاهای تجربی	نوع محصول
۲۰۴۱	۱۸۹۳	گندم آبی
۹۵	۱۱۶۴	جو آبی
۱۱۵	۱۰۴۶	برنج
۵۱۸	۴۷۳	چغندرقد
۷۹۹	۶۶۹	گندم دیم
۵۴۰	۴۲۵	جو دیم
۵۰	۱۲۰	یونجه
۱۰۰۰	۲۲۱	سیب

دام

وضعیت روستاهای تجربی و کنترل به لحاظ دارا بودن دام سبک و سنگین در جدول شماره ۴ آورده شده است. که در تمامی موارد وضعیت روستاهای تجربی مناسب‌تر می‌باشد.

جدول شماره ۴. تعداد دام در روستاهای تجربی و کنترل

روستاهای کنترل	روستاهای تجربی	نوع دام
۷۵۸۶۵	۹۷۷۰۰	گوسفند و بز
۱۴۶۱	۱۵۷۱	گاو بومی
۳۵	۵۷۷	گاو دو رگ
۰	۷۸	گاو اصیل
۸۵	۷۰۳۰	سایر دام‌ها

صنایع دستی در روستاهای تجربی و کنترل

در جدول شماره ۵ وضعیت صنایع دستی در روستاهای تجربی و کنترل آورده شده است. تعداد خانوارهایی که به فعالیت قالی‌بافی و گبه‌بافی می‌پردازند در این دو دسته روستا آورده شده است، که در هر دو مورد روستاهای تجربی در وضعیت مناسب‌تری می‌باشند.

جدول شماره ۵. تعداد خانوارهای دارای صنایع دستی در روستاهای تجربی و کنترل

صنایع دستی	روستاهای تجربی	روستاهای کنترل
قالی و قالی‌بافی	۱۱۰۳	۱۹۷
گبه‌بافی	۱۶	۵۷

تحلیل استنباطی یافته‌ها

برای مشخص کردن تأثیر پروژه‌های عمرانی بر شاخص‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی نقاط روستایی و نهایتاً بر روی رفاه در این تحقیق بدین صورت عمل شد که در دو دسته روستاهای انتخاب شده شاخص‌های مذکور اندازه‌گیری و سپس با هم مقایسه گردیدند، در صورت وجود تفاوت معنادار بین این دو دسته روستا می‌توانیم نتیجه بگیریم که پروژه‌های عمرانی اجرا شده توانسته است در وضعیت روستاها تحول مثبتی ایجاد کند.

مقایسه‌های روستاهای تجربی و کنترل

چنان‌که قبلاً بیان شد، ۲۰ روستا به‌عنوان روستاهای تجربی و ۲۰ روستا به‌عنوان روستاهای کنترل در نظر گرفته شده بودند. برای سنجش تأثیر پروژه‌های عمرانی بر شاخص‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی در جهت بهبود و در نهایت تأثیر بر رفاه، این شاخص‌ها در دو دسته روستا می‌بایست مورد مقایسه قرار گیرند.

فرضیه اول در مورد تفاوت بین روستاهای تجربی و کنترل به لحاظ شاخص امکانات بود که شامل دامنه وسیعی از امکانات و تسهیلات می‌شد، روستاها به لحاظ این امکانات مورد مقایسه قرار گرفتند میانگین دارا بودن امکانات مختلف در روستاهای تجربی برابر با ۶/۲ و در روستاهای کنترل برابر با ۱/۶۸ بود، با آزمون تی تست (T-test) این امکانات مورد مقایسه قرار گرفت، T مشاهده شده برابر با ۵/۹۹۵ بوده که از T بحرانی در سطح اطمینان ۹۵ درصد بیشتر بوده و بنابراین فرضیه H_1 که بیانگر تفاوت معنی‌دار بین امکانات در روستاهای تجربی و کنترل می‌باشد مورد قبول قرار گرفته و فرضیه H_0 که به عدم

تفاوت مرتبط می‌شود رد می‌گردد. بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم که بین روستاهای تجربی و کنترل تفاوت معناداری وجود داشته و روستاهای تجربی در سطح بالاتری می‌باشند.

جدول شماره ۶. مقایسه میانگین امکانات و تسهیلات مختلف بین روستاهای تجربی و کنترل با آزمون تی تست

نوع روستا	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی
روستاهای تجربی	۶/۲	۶/۵۷	۵/۹۹۵	۳۴
روستاهای کنترل	۱/۶۸	۳/۸۸		

با آنالیز واریانس یک‌طرفه نیز این امکانات در دو دسته روستا مورد مقایسه قرار گرفت. با توجه به جواب‌های به دست آمده F به دست آمده برابر با ۱۹/۳۰۱ بوده که با مشاهده P-value مشخص می‌گردد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معناداری بین این دو دسته روستا وجود دارد (فرضیه شماره دو معنادار شد).

$$F(۸ \text{ و } ۲۶) = ۱۹/۳۰۱, P < /۰/۰۱$$

جدول شماره ۷. نتایج آنالیز واریانس یک‌طرفه برای امکانات بین روستاهای تجربی و کنترل

جمع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	Sig	آزمون بین‌گروهی
۱۲۵۷/۸۰۹	۸	۱۵۷/۲۲۶	۱۹/۳۰۱	...	آزمون بین‌گروهی
۲۱۱/۷۹۱	۲۶	۸/۱۴۶			آزمون درون‌گروهی
۱۴۶۹/۶۰۰	۳۴				کل

فرضیه شماره دو به تفاوت بین دو دسته روستا براساس محاسبه درآمد ناخالص سالانه می‌پردازد. درآمد ناخالص سالانه از مجموع درآمد سالانه ناخالص کشاورزی، درآمد سالانه ناخالص از صنایع دستی، درآمد ناخالص سالانه از دامداری و درآمد ناخالص سالانه سایر منابع درآمدی به دست آمد. با انجام دادن آزمون تی تست تفاوت بین دو دسته روستا معنادار نشد.

جدول شماره ۸. مقایسه میانگین درآمد در روستاهای تجربی و کنترل با آزمون تی تست

درجه آزادی d.f	T	انحراف معیار S.D	میانگین Mean	
۴	۲/۱۵۰	۶۸۰۱۳/۲	۱۴۰۶۰۰	روستاهای تجربی
		۶۷۵۲۶/۲	۱۲۹۴۰۰	روستاهای کنترل

مقایسه وسایل زندگی در اختیار خانواده در روستاهای تجربی و کنترل

رادیو، تلویزیون، ضبط صوت، ویدئو، یخچال، فریزر، خودرو، موتور و اجاق گاز از جمله مواردی بودند که به وسیله این شاخص سنجیده شد، و در دو دسته روستا با هم مقایسه شدند. درصد دارندگان این موارد در جدول ۱۶ آورده شده است. به جز در یک مورد رادیو که درصد دارندگان آن در روستاهای کنترل بالاتر می‌باشد در بقیه موارد در روستاهای تجربی درصد دارندگان بالاتر می‌باشد.

جدول شماره ۹. درصد خانوارهای برخوردار از وسایل زندگی در روستاهای تجربی و کنترل

نوع وسیله	درصد خانوارهای برخوردار روستاهای تجربی	درصد خانوارهای برخوردار روستاهای کنترل
رادیو	۴۷	۵۴/۸
تلویزیون	۷۰/۹	۲۵/۸
ضبط صوت	۲۷/۴	۱۹/۴
ویدئو	۲/۶	۱/۶
یخچال	۷۶/۱	۲۹
اجاق گاز	۸۵	۶۷/۷
فریزر	۲/۶	۰
بخاری	۸۱/۶	۷۱
موتور سیکلت	۳۰/۳	۱۶/۱
خودرو	۱۵/۱	۱۱/۳

در جدول ۱۰ نتایج تی تست مقایسه میانگین برخورداری از تسهیلات زندگی در روستاهای تجربی و کنترل آورده شده است. تفاوت میانگین بین این دو دسته روستاها براساس شاخص دارایی وسایل زندگی معنادار شده، میانگین روستاهای تجربی برابر با ۴۳/۸۶ و میانگین روستاهای کنترل ۲۹/۶۷ بوده است. T مشاهده شده برابر با ۲/۴۵ بوده و در سطح اطمینان ۹۵

درصد تفاوت میانگین دو دسته روستا با هم معنادار می‌باشد (فرضیه شماره سه تأیید شد).
جدول شماره ۱۰. مقایسه میانگین برخورداری از تسهیلات زندگی روستاهای تجربی و کنترل با آزمون تی تست

متغیرها	میانگین Mean	انحراف معیار S.D	T Test	درجه آزادی d.f
برخورداری از تسهیلات زندگی روستاهای تجربی	۴۳/۸۶	۳۲/۶۳	۲/۴۵	۹
روستاهای کنترل	۲۹/۶۷	۲۶/۰۲		

آب لوله‌کشی، برق، حمام، کولر، تلفن شخصی، و گاز لوله‌کشی تسهیلات محل سکونت می‌باشد که در دو دسته روستا با آزمون تی تست میانگین دارا بودن این تسهیلات محل سکونت در دو دسته روستا مورد مقایسه قرار گرفت.

T مشاهده شده برابر با ۳/۲۰۷ بود که در سطح اطمینان ۹۵ درصد از T جدول بالاتر بوده لذا تفاوت بین دو دسته روستا معنادار می‌باشد (فرضیه شماره چهار تأیید شد).

جدول شماره ۱۱. مقایسه میانگین تسهیلات محل سکونت خانوار در روستاهای تجربی و کنترل با آزمون تی تست

روستاهای تجربی	میانگین Mean	انحراف معیار S.D	T Test	درجه آزادی d.f
روستاهای تجربی	۱۰/۵۶	۱۰/۴۹	۳/۲۰۷	۳
روستاهای کنترل	۶/۷	۸/۶		

فرضیه شماره پنج در مورد تفاوت معنادار بین دو دسته روستا از لحاظ دارایی ادوات سرمایه‌ای، دارایی‌های دیگر خانوار، داشتن زمین در مناطق دیگر و سرمایه انسانی بود. با آزمون تی تست، دارایی ادوات سرمایه‌ای، دارایی‌های دیگر، داشتن زمین در مناطق دیگر و سرمایه انسانی روستاهای تجربی و کنترل مورد مقایسه قرار گرفت. T مشاهده شده در سطح اطمینان ۹۵ درصد از T جدول بالاتر بوده و لذا تفاوت میانگین این شاخص‌ها در این دو دسته از روستا معنادار می‌باشد (فرضیه شماره پنج تأیید می‌شود).

جدول شماره ۱۲. مقایسه میانگین شاخص‌های ادوات سرمایه‌ای و... در روستاهای تجربی و کنترل با آزمون تی تست

درجه آزادی d.f	T	انحراف معیار S.D	میانگین Mean	
۵	۲/۵۴	۷/۱۶	۸/۴	روستاهای تجربی
		۳/۵	۳	روستاهای کنترل

جدول شماره ۱۳. مقایسه وضعیت رضایتمندی خانوارها از موضوعات مختلف در روستاهای تجربی و کنترل

روستاهای کنترل				روستاهای تجربی				نوع روستا
جمع	تا اندازه‌ای	خیر	بلی	جمع	تا اندازه‌ای	خیر	بلی	
۶۲	۴۲	-	۲۰	۲۳۴	۹۴	۱	۱۳۹	وضعیت رضایت
۱۰۰	۶۷/۷	-	۳۲/۳	۱۰۰	۴۰/۲	/۴	۵۹/۴	رضایت از زندگی
۶۲	۳۸	-	۲۴	۲۳۴	۱۰۱	۳	۱۳۰	رضایت از خانه
۱۰۰	۶۱/۳	-	۳۸/۷	۱۰۰	۴۳/۲	۱/۳	۵۵/۶	
۶۲	۵۶	۱	۵	۲۳۴	۱۵۰	۱	۸۳	رضایت از بهداشت
۱۰۰	۹۰/۳	۱/۶	۸/۱	۱۰۰	۶۴/۱	/۴	۳۵/۵	
۶۲	-	۱	۶۱	۲۳۴	۱۲	۳	۲۱۹	رضایت از همسایه
۱۰۰	-	۱/۶	۹۸/۴	۱۰۰	۵/۱	۱/۳	۹۳/۶	
۶۲	۴۸	۱	۱۳	۲۳۴	۱۵۱	۲	۸۱	رضایت از درآمد
۱۰۰	۷۷/۴	۱/۶	۲۱	۱۰۰	۶۴/۵	/۹	۳۴/۶	
۶۲	۳۳	۱	۲۸	۲۳۴	۹۵	۲	۱۳۷	رضایت از خوراک
۱۰۰	۵۳/۲	۱/۶	۴۵/۲	۱۰۰	۴۰/۶	/۹	۵۸/۵	
۶۲	۲	۲	۵۸	۲۳۴	۵	۷	۲۲۲	رضایت از خانواده
۱۰۰	۳/۲	۳/۲	۹۳/۶	۱۰۰	۲/۱	۳	۹۴/۹	
۶۲	۴۴	-	۱۸	۲۳۴	۱/۸	۲	۱۱۴	رضایت از شغل
۱۰۰	۷۱	-	۲۹	۱۰۰	۵۰/۴	/۹	۴۸/۷	
۶۲	۹		۵۳	۲۳۴	۳۴		۲۰۰	رضایت از سلامتی
۱۰۰	۱۴/۵		۸۵/۵	۱۰۰	۱۴/۵		۸۵/۵	

مقایسه میزان رضایتمندی

بحث رضایت و رضایت از زندگی و شرایط زندگی از شاخص‌های مهم اجتماعی می‌باشد. لذا به لحاظ اهمیت آن و تأثیری که می‌توانست بر کیفیت زندگی و نهایتاً رفاه بگذارد در این جا در قالب رضایت از زندگی به‌طور کلی، رضایت از وضعیت مسکن، رضایت از وضعیت بهداشت رضایت از وضعیت همسایگان، رضایت از وضعیت درآمد، رضایت از خوراک، رضایت از خانواده، رضایت از شغل و رضایت از سلامتی در دو دسته روستاهای تجربی و کنترل مورد سنجش قرار گرفت.

جهت مقایسه این دو دسته روستا به لحاظ شاخص رضایتمندی بدین‌گونه عمل شد که سه شاخص رضایت از همسایه، رضایت از خانواده و رضایت از سلامتی که در هر دو دسته روستا بالا بوده و به میزان زیادی مرتبط به بحث تأثیرگذاری پروژه‌ها نمی‌شد حذف، و سپس براساس آزمون T میانگین میزان رضایتمندی با هم مقایسه گردید. T مشاهده شده برابر با ۷/۶ بود و در سطح اطمینان ۹۹ درصد از T جدول بیشتر بود لذا دو دسته روستا بر این اساس دارای تفاوت معناداری بودند یعنی این‌که میزان رضایت افراد در موارد مختلف در روستاهای تجربی از روستاهای کنترل بیشتر بوده است (فرضیه شماره شش تأیید شد).

جدول شماره ۱۴. مقایسه میانگین میزان رضایتمندی خانوارها در روستاهای تجربی و کنترل براساس آزمون تی تست

درجه آزادی d.f	T	انحراف معیار S.D	میانگین	
۵	۷/۶	۱۱/۲۳	۴۸/۷	روستاهای تجربی
		۱۳/۱۷	۲۹	روستاهای کنترل

از شش فرضیه مطرح شده که تفاوت‌های شاخص‌های متفاوت را در سطح روستاهای تجربی و کنترل مورد مقایسه قرار می‌داد، پنج فقره از آن‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار شدند.

نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست آمده از بررسی تأثیر پروژه‌های عمرانی اجرا شده توسط جهاد سازندگی استان فارس بر رفاه بیانگر این موضوع است که بین روستاهای تجربی که در آن‌ها پروژه‌های عمرانی به

اجرا درآمده و روستاهای کنترل که هیچ پروژه عمرانی در آن‌ها صورت نگرفته است تفاوت معناداری به لحاظ اکثر شاخص‌هایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با رفاه خانوار مرتبط می‌باشند وجود دارد.

در مورد وضعیت امکانات و تسهیلات در روستاهای تجربی و کنترل آزمون تی‌تست معنادار شد (فرضیه اول). براساس شاخص‌ها تفاوت زیادی بین این دو دسته روستا وجود داشت که این امر می‌تواند ناشی از پروژه‌های عمرانی اجرا شده باشد.

شاخص دیگری که در این دو دسته روستا مورد مقایسه قرار گرفت درآمد بود که شامل درآمد ناخالص سالانه از کشاورزی، درآمد ناخالص سالانه از صنایع دستی و درآمد ناخالص سالانه از دامداری می‌شد. به لحاظ آزمون آماری تفاوت بین آن‌ها در سطح ۹۵ درصد معنادار نشد اما در سطح ۹۰ درصد این تفاوت معنادار بود.

مقایسه وسایل زندگی در اختیار خانوار هم از جمله شاخص‌های دیگری بود که مورد مقایسه قرار گرفت. آزمون فرض تفاوت بین دو دسته روستا براساس این شاخص هم تفاوت معناداری را بین روستاها نشان می‌داد. درصد خانوارهای دارای حمام شخصی، درصد خانوارهای دارای لوله‌کشی گاز، درصد خانوارهای دارای تلفن شخصی و درصد خانوارهای دارای کولر همه بر روی هم شاخص تسهیلات محل سکونت خانوار را تشکیل می‌دادند که با آزمون تی‌تست مورد مقایسه قرار گرفتند که براساس نتایج آن تفاوت بین دو دسته روستا معنادار شد.

مالکیت ادوات سرمایه‌ای، دارایی‌های دیگر خانوار، داشتن زمین در مناطق دیگر و سرمایه انسانی مواردی بودند که در این فرضیه مد نظر بودند که نتیجه آزمون تی‌تست تفاوت معناداری را بین دو دسته روستا نشان می‌داد. اما آخرین موردی که در این دو دسته روستا مورد توجه قرار گرفت، شاخص رضایتمندی بود. هرچند در این تحقیق موضوع محوری رضایتمندی نبود اما از آن‌جا که رضایت از زندگی در بین شاخص‌های سازنده مفهوم کیفیت زندگی جزء مهم‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌رود و به نوعی می‌تواند با مسئله رفاه ذهنی در ارتباط قرار گیرد، در این تحقیق مورد ملاحظه قرار گرفت. این رضایت از جنبه‌های مختلفی سنجیده شد (رضایت از زندگی به‌طور کلی، رضایت از خانه، رضایت از بهداشت، رضایت از همسایه، رضایت از درآمد، رضایت از خوراک، رضایت از خانواده، رضایت از شغل و رضایت از سلامتی) و سپس بعد از کنار گذاشته شدن رضایت از همسایه، رضایت از خانواده و رضایت از سلامتی که به نوعی در هر دو دسته روستا در سطح بالایی بود بقیه شاخص‌ها با آزمون تی‌تست با هم مقایسه شدند و در سطح ۹۵ درصد تفاوت بین آن‌ها معنادار شد.

با توجه به چارچوب نظری این تحقیق این نکته آشکار می‌گردد که دخالت دولت در توسعه

و رفاه از طریق سازمان‌ها و با روش‌های تکنوکراتیک و بوروکراتیک و با روش برنامه‌ریزی از بالا به پایین می‌تواند بر روی شاخص‌های رفاهی تأثیراتی را گذاشته که نتایج این تحقیق مؤید این موضوع است، اما در صورتی که این فرایند بخواهد به توسعه‌ای پایدار در زمینه روستایی تبدیل شود می‌بایست با روش‌های دیگر مخصوصاً روش‌هایی که خود مردم روستایی را درگیر فرایند توسعه می‌کند ترکیب شود.

منابع

- آسایش، حسین. (۱۳۷۴). *کارگاه برنامه‌ریزی روستایی*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: نشر نی.
- موسوی حقیقی، محمدحاشم. (۱۳۷۹). «بررسی اثرات پروژه‌های زیربنایی جهاد سازندگی استان فارس بر ارتقا شاخص توسعه انسانی». شیراز: طرح و برنامه جهاد سازندگی استان فارس.
- نیلی، مسعود. (۱۳۷۶). «بررسی تحولات فقر، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی طی سال‌های گذشته». *اقتصاد ایران*، تهیه و تنظیم دکتر نیلی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- هاو، جان و ریچاردز، پیتر. (۱۳۷۲). *راه‌های روستایی و کاهش فقر*. مترجمان سید محمدجواد پیرو محمدرضا متوسلی. تهران: سلسله انتشارات روستا و توسعه شماره ۱۱، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

Raisuddin, A. and M. Hossain, (1990). *Developmental Impact of Rural Infrastructure In Bangladesh*, New york Intenational, Food Policy Research Institute.

Shepherd, A.(1998). *Sustainable Rural Development*. London: Macmillan Press.

- عبدالعلی لهسایی‌زاده عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز است. از او چندین کتاب به چاپ رسیده است. علایق پژوهشی وی در زمینه‌های «جامعه‌شناسی توسعه»، «جامعه‌شناسی روستایی» و «نابرابری اجتماعی» می‌باشد.
- سید مسعود ماجدی دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز و عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی جهادکشاورزی استان فارس می‌باشد. علایق پژوهشی او در زمینه «مسائل روستایی» می‌باشد.